

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی بر پایه انگاره فرکلاف

فاطمه ایک‌آبادی^۱، خلیل بیگزاده^{۲*}، ابراهیم رحیمی زنگنه^۳، فاطمه کلاهیچیان^۴

(دریافت: ۱۳۹۷/۳/۳۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۴)

چکیده

ترانه‌های نوازشی بخشی از ترانه‌های عامیانه کودکان هستند که از خلق و خوی مادرانه سرشارند و آرمان‌ها، آرزوها، رنج‌ها، حسرت‌ها و دلتنگی‌های مادر را بر پایه نظام‌های فرهنگی و رفتارهای اجتماعی بیان می‌کنند تا محرک عواطف کودکان باشند. پژوهش پیش رو، ترانه‌های نوازشی فارسی را از طریق نشانه‌های موجود در متن، بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف در سطح توصیف واژگانی با رویکردی توصیفی - تحلیلی در ۱۰۰۰ مصراع که بسامد کاربردی آن‌ها، اساس این گزینش بوده، واکاوی کرده است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، انواع طبقه‌بندی واژگانی بر اساس نظریه مذکور در این گونه از ترانه‌ها کاربرد داشته؛ اما بسامد کاربرد واژه‌های زبان محاوره‌ای بیش از گونه‌های دیگر است. چنان‌که گفتمان مادر در بیان واقعیت‌های اجتماعی مانند مردسالاری، برتری جنسیتی، بی‌وفایی همسر، فقر و اوضاع نابسامان اقتصادی و بیداد زمانه در قالب واژه‌های محاوره‌ای و عامیانه با زبانی ساده و زیبا و برخاسته از عشق و عاطفه آمده است. بر این اساس، واژه‌های ترانه‌ها نقش مؤثری در آفرینش عاطفه شعری و انتقال احساس مادرانه (ترس از آینده، امید به آینده، نفرت، تنهایی و درنهایت پذیرش مخاطب) دارند. چنان‌که

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

*kbagzade@yahoo.com.

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی.

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی.

بیان واقعیت‌های جامعه در قالب واژه‌های عامیانه، سبب فهم کامل کودک از واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نیز اثرگذاری کلام مادر بر ذهن وی (کودک) شده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، ترانه‌های نوازشی، نورمن فرکلاف، ادبیات شفاهی.

۱. مقدمه

گفتمان پدیده‌ای زبانی است که در اثر ارتباط تولید می‌شود و نوع آن متأثر از موقعیت آن است. اصطلاح «تحلیل گفتمان» را، نخستین بار زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیک هریس^۱، در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای به کار برده است (تاجیک، ۱۳۷۸: ۳). در تحلیل گفتمان، خلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با متن و عناصر نحوی و لغوی شکل‌دهنده آن به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا، سروکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت سروکار داریم؛ بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و ... (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۸). اگرچه تحلیل گفتمان به‌ویژه نوع انتقادی آن، بررسی رابطه زبان، قدرت، ایدئولوژی و گفتمان در متون رسانه‌ای و مسائل سیاسی - اجتماعی را اولویت نخست می‌داند؛ اما بررسی سایر متون نیز با این روش - اعم از ادبیات مکتوب و شفاهی ملل - خالی از فایده نخواهد بود؛ زیرا متون ادبی هم در خدمت ارتباط بوده و بیشتر با عوامل بیرونی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... پیوند دارند. بعد از هریس، نورمن فرکلاف^۲ در سال ۱۹۸۹، مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان و سطوح مختلف آن را در کتابی با عنوان *تحلیل انتقادی گفتمان* در پنج بخش پردازش کرده است که هر متن به عقیده وی می‌تواند در سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین بررسی شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

ادبیات عامه با گستردگی و فراگیری زمانی و مکانی‌اش، مهم‌ترین بستر برای انعکاس باورهای ساده و غیرمتکلفانه فرهنگ و جامعه انسانی بوده است (مرادی، ۱۳۹۴: ۸۴). در نگاهی کلی می‌توان فرهنگ عامه را مجموعه میراث‌های معنوی یک قوم، اعم از عقلی، ادراکی، ذوقی یا عاطفی دانست که معمولاً به‌صورت شفاهی منتقل می‌شود (محجوب، ۱۳۸۷: ۳۶). ادبیات شفاهی چون ریشه در اعتقادات، سنت‌ها، آداب

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه اییک‌آبادی و همکاران

و رسوم و اندیشه‌های اقوام گوناگون دارد، سبب ماندگاری زبان و ملت‌هاست (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۴۸). هر یک از گونه‌های ادبیات عامیانه به سبب محتوا، زبان و شیوه روایت به گروه سنی و جنسیتی مشخصی اختصاص دارد و بخش بزرگی از عامیانه‌ها، ترانه‌های کودکان هستند که فراخور درک و فهم و ذوق و علاقه کودکان پدید آمده‌اند (سرایی، ۱۳۹۲: ۸). ترانه‌های محلی با ابعاد گوناگون و زمینه‌های متفاوت و شیوه‌های متنوع آن، از ترانه‌های اشعار ایران کهن پیش از اسلام نشئت گرفته‌اند (همایونی، ۱۳۸۰: ۳۶). ترانه‌های نوازشی، لطیف‌ترین آوازهایی است که ریشه در کهن‌ترین تفکرات و احساسات مردم هر قوم دارد.

شعر گونه‌ای مشترک میان مادر و کودک است. مادران با ترانه‌هایی از این نوع، ذهن کودک را با موسیقی، قافیه و وزن آن مانوس می‌ساختند و با خواندن این گونه ترانه‌ها، یک حرف و دو حرف از کلام منظوم را بر زبان کودکان می‌نشانند. در این ترانه‌ها هدف این نبوده است که کودک با مضامین و مسائل مندرج در آن‌ها آشنا شود و لذا مادران ناخواسته به مسائلی اشاره می‌کردند که در حد فهم کودک نبوده و چه بسیار که حرف دل خودشان را در این ترانه‌ها باز می‌گفتند (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۲: ۳۲).

لالایی‌ها و ترانه‌ها از نظر ظاهری معمولاً شکل مثنوی دارند و حد واسط میان شعر و نثرند (سپیک، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

ترانه‌های نوازشی هم عرصه انتقال ایثار، محبت، مهربانی، شادی قلب و روح نوازش دهنده (مادر یا دیگری) به کودک هستند و هم نشان‌دهنده برخی عقده‌ها، کمبودها و امیال سرکوفته به شمار می‌روند (خالق‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۴). هدف همه ترانه‌ها، تقویت و به کارگیری حافظه، بروز خلاقیت و پرورش عواطف و احساسات کودک است (ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی، ۱۳۸۸: ۱۳۶). این گونه ترانه‌ها که به احساس و طبیعت زنان بستگی و وابستگی بیشتری دارند، ترنم آن‌ها با شور و هیجان، خنده و ناز و نوازش کودک همراه است و دریچه‌های شوق و نشاطی حیرت‌انگیز بر آن‌ها و کودکان می‌گشاید و بر این کار استمرار تام و تمام دارند (همایونی، ۱۳۸۹: ۱۵). ساختار این ترانه‌ها، دقت در تنظیم شیوه بیان، بار عاطفی، خصلت انگیزش و هیجان و نتیجه‌گیری آن‌ها موجب حیرت است (صادقی، ۱۳۶۸: ۶۵).

گاهی موسیقی کلام بر ارتباط منطقی میان اجزای ترانه غلبه می‌کند؛ یعنی گوینده یا خواننده ترانه چنان مجذوب وزن و موسیقی است که توجهی به معنا ندارد و گویی حالاتی شیفته‌وار در بیان احساس، عشق و ایثار مادر یا نوازش‌کننده کودک بر وی حاکم است:

قربونت برَم چی می‌شه انارِ طاقچه می‌شه
می‌افته پاره می‌شه آبش پیاله می‌شه
خوراکِ خاله می‌شه

(احمدپناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۷۹)

در نوشتار حاضر، نگارندگان با استفاده از الگوی پیشنهادی نورمن فرکلاف، ۱۰۰۰ مصرع از ترانه‌های نوازشی متعلق به مناطق روستایی و عشایری ایران را بررسی و تحلیل کردند. البته با توجه به کوچ ترانه‌ها، شاید تعیین مکان خاص برای یک ترانه، بسیار دشوار باشد. بنابراین، ترانه‌های پرکاربردی که با لهجه‌ها و زبان‌های محلی از سوی زنان برای فرزندانشان بازگو شده‌اند، ملاک انتخاب این گونه از سروده‌هاست.

در این بررسی مشخص می‌شود این گونه از ترانه‌ها در سطح توصیف دارای چه ویژگی‌های زبان‌شناختی هستند و آیا واژگان به‌کار رفته در ترانه‌ها، دیدگاه مادران را نسبت به کودک نشان می‌دهد؟ هدف این پژوهش، تحلیل لایه زبانی ترانه‌ها، بررسی بازتاب ایدئولوژی و قدرت در ساختار این نوع از سروده‌ها و همچنین، تبیین رابطه گفتمان سرایندگان و بینش آن‌ها در جامعه است.

۲. بیان مسئله

ترانه‌های نوازشی سرزمین مادری، گنجینه‌ای از باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و فرهنگ اقوام هستند که عاملی مؤثر در شکل‌گیری شخصیت کودک خواهند بود و تأثیری شگرف بر ضمیر کودک، با هدف تربیت وی خواهند داشت. ترانه‌های نوازشی بخشی از ساخت ادب منظوم شفاهی و عامه را پر کرده و همواره دارای صمیمیت و مقبولیت عامی است و تحلیل آن از منظر زبان‌شناسی مهم و جای آن در پژوهش‌ها خالی است که پژوهش پیش رو، به چند و چون آن پرداخته است؛ چون ترانه‌ها با طبیعت زندگی مردم پیوندی عمیق یافته‌اند و نشان‌دهنده ابعاد فرهنگ مادی و معنوی

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه اییک‌آبادی و همکاران

آن‌ها هستند. واکاوی ترانه‌های نوازشی، بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، نگاهی تازه به این بخش از ادب عامه ایران است که گوشه‌هایی از پرباری آن را نمایان خواهد کرد. بر این اساس برای دستیابی به اهداف خود، نوع نگرش سرایندگان این-گونه از ادب شفاهی را در ساخت‌های واژگانی تبیین و رابطه گفتمان سرایندگان و نوع بینش و کنش آن‌ها را در تعامل با جامعه مشخص کرده است.

۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی در گردآوری ترانه‌های نوازشی و بررسی جنبه‌های گوناگون آن‌ها انجام شده که احمد پناهی (۱۳۷۶) ترانه‌های کودکان را شامل لالایی‌ها، ترانه‌های نوازش کودک و ترانه‌های بازی، معرفی کرده است. رسولی (۱۳۸۳) در بخش اول به نقل و تحلیل نمونه‌هایی از ترانه‌های کودکان خراسان پرداخته و بخش دوم را به ترانه‌هایی که کودکان خود سروده‌اند اختصاص داده است. همایونی (۱۳۸۹) سروده‌های زنان را در گستره فرهنگ مردم ایران‌زمین، تحلیل کرده است. خالق‌زاده (۱۳۹۰) ضمن معرفی ترانه‌های کودکان در شیراز، آن‌ها را از حیث محتوا بررسی کرده است. رسولی (۱۳۹۲) بازتاب مسائل اجتماعی و اقتصادی را در ترانه‌های کودکان تحلیل کرده است. سربابی (۱۳۹۲) ترانه‌های کودکان را جمع‌آوری کرده است. سفیدگر شهنقی (۱۳۹۳) به گردآوری ترانه‌های نوازشی کودکان ایران پرداخته است. مرادی (۱۳۹۴) ویژگی‌های قالبی و ساختاری ترانه‌های کودکان فارس را از نظر محتوا، قالب و نوع کارکرد موسیقایی بررسی کرده است. مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر آن است که مطالعات صورت‌گرفته بیشتر جنبه گردآوری و تحلیل محتوایی داشته‌اند؛ اما تاکنون پژوهشی زبان‌شناسانه روی این‌گونه از سروده‌ها صورت نگرفته است و تحقیقی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان واژگانی روی ترانه‌ها یافت نشد.

۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

تحلیل گفتمان از مباحث مدرن زبان‌شناسی و نقد ادبی است که توانایی بالقوه، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در نقد متون ادبی دارد و در شناخت و فهم بهتر آثار ادبی، نقشی

ارزنده دارد. ترانه نوازشی بخشی از ادب عامه و از نخستین جلوه‌های ادب زنانه است که سرشار از باورها، آیین‌ها و عادات اقوام ایرانی در سده‌های تاریخ است و بررسی آن از منظر گفتمان‌کاوی، فهمی دقیق پیش‌روی خواننده خواهد گذاشت. بر این اساس، واکاوی ترانه‌ها بر پایه انگاره تحلیل انتقادی گفتمان، نگاهی تازه به این بخش از ادب عامه ایران خواهد بود.

۵. مبانی نظری موضوع

تحلیل گفتمان انتقادی از رویکردهای مهم نقد ادبی بر پایه زبان‌شناسی است که مبانی نظری موضوع این پژوهش در مرز نیاز و ضرورت تبیین شده و سپس بحث اصلی - که تحلیل ترانه‌های نوازشی بر اساس انگاره تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف است - بررسی شده است.

۶. تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان^۳:

چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (زمینه متن) واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۲: ۱۰).

مفهوم گفتمان، امروزه یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب‌زمین است و با مفاهیمی چون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژادپرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و ... عجین شده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰). بر این اساس، اکنون معنای تحلیل گفتمان، با آنچه صرفاً در زبان‌شناسی در نظر بوده، تغییر کرده است. به‌طور کلی گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود؛ بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و از چه جایگاه و با چه قدرتی می‌تواند صحبت کند و در واقع، گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی هستند.

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه ایک‌آبادی و همکاران

۱-۶. تحلیل انتقادی گفتمان

تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند؛ بلکه این گرایش در مدتی نسبتاً کوتاه (نزدیک به دو دهه)، به همت متفکرانی چون میشل فوکو^۴، ژاک دریدا^۵، میشل پشوه^۶ و دیگر متفکران برجسته غرب وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به‌خود گرفت (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰). فرکلاف معتقد است نمی‌توان از طریق ویژگی‌های صورتی متن مستقیماً به تأثیرات ساختاری بر شالوده جامعه دست یافت، چون اساساً نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است. این رابطه بیش از هر چیز از سوی گفتمان - که متن بخشی از آن است - برقرار می‌شود (تاجیک، ۱۳۷۸: ۲۶). در تحلیل متون، کانون توجه دائماً بین آنچه در متن وجود دارد و نوع گفتمان یا انواع گفتمان‌هایی که متن از آن‌ها استفاده می‌کند، در نوسان است که این تغییر و جابه‌جایی در موضوع تحقیق پیش رو بازتاب یافته و در ساخت واژگان و زیر مجموعه‌های آن در چارچوب روش‌شناسی فرکلاف در سطح توصیف واژگانی ترانه‌های نوازشی، بررسی و تبیین شده است.

۲-۶. توصیف

ویژگی‌های صورتی یک متن در توصیف^۷، یعنی متن جدا از سایر متن‌ها، زمینه و وضعیت اجتماعی بررسی خواهد شد و این ویژگی‌های صورتی می‌تواند انتخاب‌هایی ویژه از بین گزینه‌های مربوط به واژگان تلقی شود که در متن از آن‌ها استفاده خواهد شد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۰).

۳-۶. بحث اصلی

تحلیل انتقادی گفتمان در ادب شفاهی، اهمیتی ویژه دارد و می‌توان با بررسی ترانه‌ها و استخراج روابط مبتنی بر ایدئولوژی، روابط قدرت، عرف و سنت‌های قومی، به جایگاه اجتماعی زنان پی برد و نقش مردسالاری نهفته را در ادبیات شفاهی مشاهده کرد (میرزایی و فلاحی، ۱۳۹۵: ۱۲۲). ترانه‌های نوازشی بخشی از ادب عامه هستند که پژوهش پیش رو، آن‌ها را از منظر تحلیل انتقادی گفتمان کاویده و مطابق نظریه فرکلاف تحلیل

کرده است، چون این انگاره فرکلاف شیوه‌ای است که برای بررسی رویکردهای اجتماعی و فرهنگی و کارکرد آن بر متون ادبی کاربردی ویژه دارد.

۴-۶. تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی کودکان

واژگان عناصری هستند که بار ایدئولوژیک یک متن را بر دوش دارند و آن را معنادار خواهند کرد. چنان‌که انتخاب و کاربرد نام برای افراد، اشیا و فعالیت‌ها، پژوهشی از دیدگاه خاص نویسنده است که می‌تواند بار منفی یا مثبت داشته باشد. انتخاب و کاربرد واژگان خاص در ترانه‌ها، نشان‌دهنده دیدگاه مادران نسبت به کودک و تصاویر ذهنی و افکار آنان است. لایه واژگانی مشخص می‌کند که آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند؟ همچنین، در تحلیل واژگان مشخص خواهد شد که آیا عبارت‌بندی دگرسان، عبارت‌بندی افراطی، روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) و استعاره در متن کاربرد دارد؟

۵-۶. عبارت‌بندی دگرسان

عملکردهای کلامی در عبارت‌بندی دگرسان^۸ بر حسب روانی، اثربخشی و تأثیر اجتماعی، ارزیابی و در واقع جای عبارت‌بندی‌ها عوض می‌شود. طبق نظر فرکلاف (۱۳۷۹: ۱۷۴) «عبارت‌بندی موجود مسلط و طبیعی شده، به‌طور حساب شده‌ای جای خود را به عبارت‌بندی دیگری می‌دهد که در تقابل آگاهانه با آن قرار دارد». مادران در گوشه و کنار ایران‌زمین برای کودکان خود ترانه‌هایی سروده‌اند که بیانگر حس و حال خودشان است و گفتمانی ساده و زیبا را برای فرزند خود ارائه می‌دهند. در این گفتمان که بیشتر با ریتم و موسیقی خوانده می‌شود، نشانی از کلمات صریح و بی‌پرده نیست؛ بلکه در این‌گونه از ترانه‌ها، عبارت‌بندی دگرسان به‌صورت آگاهانه استفاده شده است. چون مادر دوست ندارد روح و روان کودک دلبندش با شنیدن برخی واژگان آزرده شود، بدین روی با زبانی ساده و عاطفی، احساسات خود را با شوق و نشاط بازگو می‌کند:

قربون چشم زاغت مادر نینه داغت

(سرایی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه ایک آبادی و همکاران

بهرام‌خان قندی اسبتو کجا می‌بندی
زیر درخت نرگس داغتو نبینم هرگز
(همان، ۱۴۳)

عروسان چینی پسریم داغشو نبینی پسریم
(همان، ۱۴۲)

اسبتو کجا می‌بندی زیر درخت آلو
داغتو نبینه خالو

(سفیدگر شهانقی، ۱۳۹۳: ۹۴)

مادر در این ترانه‌ها برای روانی کلام و ایدئولوژی گفتمان خود به جای واژه مرگ از واژه داغ استفاده کرده است. وی ضمن آشنایی فرزندش با وقایع طبیعی زندگی، امیدوار است این اتفاق ناگوار هیچ‌گاه برای کودکش پیش نیاید و کلامش را با نرمی و لطافت بازگو می‌کند. در واقع، با این گفتمان ذهن کودک را با فرهنگ و باورهای ساده و غیر-متکلفانه آشنا می‌کند.

مادر تنهایی خویش را در ترانه زیر به واسطه نبود همسر، با کودک در میان می‌گذارد:

ستاره‌ها در اوامد آقای بچم نیومد
ترسم که یاغی باشه فکر بچم نباشه

(همایونی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

ازجمله دل‌نگرانی‌های مادران که بسامد زیادی در این اشعار دارد، نبودن شوهر در کنار خانواده و انتظار برای بازگشت اوست (رضایی و ظاهری عبده‌وند، ۱۳۹۴: ۵۲). منظور مادر از یاغی بودن ممکن است، عواملی چون ازدواج مجدد همسر، سفر کاری و یا حتی دربند بودن وی باشد. او واقعیت اجتماعی موجود را به سبب روح ظریف فرزندش به صورت پوشیده برای وی بیان می‌کند.

۶-۶. عبارت‌بندی افراطی

کاربرد نامعمول شمار زیادی از کلمات تقریباً هم‌معنا را عبارت‌بندی افراطی^۹ می‌گویند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۶) که این پدیده، نشان‌دهنده شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت و بیانگر کانون مبارزه ایدئولوژیک است. این نوع از ترانه‌های کودکان برای نوازش، قربان‌صدقه

رفتن، تأیید، تشویق، توصیف رفتارهای مرسوم کودکان و گاه سرگرم کردن آن‌ها سروده شده است. بنابراین، ما شاهد عبارت‌بندی افراطی در طرح‌های طبقه‌بندی گفتمان مادران هستیم و شمار زیادی از کلمات تقریباً هم‌معنا در این سروده‌ها دیده می‌شود:

ننه جون فدای لبات	همه قندن، تو نبات
همه شیرین، تو شکر	همه لوزن، تو غسل
همه دختر، تو پسر	

(سرایی، ۱۳۹۲: ۱۴۴)

مادر در این ترانه با کاربرد واژگان نبات، شکر، غسل و پسر، به‌نوعی فرزند خویش را برتر از همه می‌داند. «تبعیض میان دختر و پسر از همان ابتدای تولد در وجود آنان نهادینه شده و دختران خواه و ناخواه مجبور به پذیرش امتیاز و برتری پسران بر خود بودند» (عظیم جبار، ۱۳۹۶: ۱۳۹). نوع گفتمان مادر و ایدئولوژی بیشتر، بیانگر ارزش تجربی و برتری جنسیت پسر است؛ زیرا مادری که دارای فرزند پسر باشد، در خانواده و جامعه دارای موقعیت بهتری است.

به کس کسونس نمی‌دم	به همه کسونس نمی‌دم
به مرد پیرش نمی‌دم	به راه دورش نمی‌دم
شاه بیاد با لشگرش	خَلَم و حَشَم پشت سرش
شاهزاده‌ها دور و برش	واسه پسر بزرگترش
آیا بَدَم، آیا نَدَم	

(همایونی، ۱۳۷۹: ۵۶)

در این ترانه، گفتمان مادر همراه با گلایه از فلک و بخت بد نیست؛ بلکه او برای فرزندش آرزوهای شیرین و گاه دست‌نیافتنی می‌کند. او در این گفتمان با کاربرد واژگان شاه، لشگر، خدم و حَشَم و شاهزاده، برای دخترش، شوهری می‌خواهد که جایگاه اجتماعی و خانوادگی ممتازی داشته باشد و در آینده خوشبخت شود. همان خوشبختی که خودش از داشتن آن محروم بوده است و آن را در وجود فرزندش جست‌وجو می‌کند.

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه اییک آبادی و همکاران

ای زیبای من سروناز من
جان گداز من ای شیرین سبزه
مکن تو غمزه
(سرایی، ۱۳۹۲: ۱۳۹)

در این سروده، مادر با کاربرد واژگان زیبا، سروناز، جان‌گداز و شیرین سبزه، ضمن نوازش، احساس و عاطفه خود را نسبت به کودک دل‌بندش ابراز می‌کند.

۷-۶. رابطه معنایی (هم‌معنایی، تضاد معنایی و شمول معنایی)

رابطه معنایی بین کلماتی در متن برقرار خواهد شد که در هیچ یک از انواع گفتمان‌ها هم‌معنا نیستند؛ اما در مواردی یک متن ممکن است مستقیماً از روابط معنایی ایجادشده در یک نوع گفتمان استفاده کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۷). رابطه معنایی در این پژوهش در پی آن است که چگونه گزینش برابر واژگانی در ترانه‌ها به بازتاب گفتمان کمک می‌کند؟ مادران ناخواسته، اما خلاقانه، ایدئولوژی‌های خاصی را با بهره‌گیری از روابط معنایی واژگان در سخن خود آفریده‌اند و چون کودک خردسالشان مخاطب آن‌هاست، آرزوها و آمال، گلایه‌ها و دردها، شکایت از فراق و جدایی، ناملایمات روزگار و سختی معیشت و مهم‌تر از همه، حدیث نفس مادرانه را به‌عنوان سراینده‌گان ترانه‌ها در شکایت از دوری همسر، گلایه از بی‌وفایی همسر، فقر و تنگدستی و غریبی مادر با گفتمانی زیبا برای فرزند بازگو کرده‌اند.

۸-۶. هم‌معنایی

الفاظی که یک معنی داشته باشند هم‌معنی هستند؛ یعنی ملاک هم‌معنایی، یکسانی معنی است (لاینز، ۱۳۹۱: ۹۱) و بنابر نظر فرکلاف (۱۳۷۹: ۱۷۷) هم‌معنایی «موردی است که در آن کلمات دارای معنای یکسان هستند»؛ اما صفوی (۱۳۸۳: ۱۰۶) بر آن است که در هیچ زبانی هم‌معنایی مطلق وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان دو واژه را یافت که به‌جای یکدیگر به‌کار بروند و تغییری در معنی آن زنجیره پدید نیاید. چون بنابر انگاره صفوی، موارد هم‌معنایی مطلق، دشوار است. پژوهش پیش رو، در پی معرفی رابطه هم‌معنایی تقریبی بین واژگان ترانه‌هاست:

آسیوت^۱ آبیہ لباسات دارابیہ
غم مخور، غصہ مخور نومزدت دلخواہیہ
(سفیدگر شہانقی، ۱۳۹۳: ۱۴۸)

گفتمان مادر بر این اساس است که با آوردن واژگان هم‌معنا به فرزندش می‌گوید: همه چیز بر وفق مراد اوست و غم و غصه‌ای به دلش راه ندهد. یکی از اصلی‌ترین مضمون‌های ترانه‌های نوازشی پسرانه، گرفتن زن برای پسر است و چون مادر ازدواجی به‌دلخواه نداشته است، آرزو دارد که بتواند این ایدئولوژی را برای کودکش فراهم کند. همچنین، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که سراینده این ترانه، از عشایر شیراز بوده است. لباس‌های محلی استان فارس یکی از زیباترین پوشش‌هاست که در میان روستاییان و عشایر این استان رواج دارد و رنگ‌های بسیار شاد و متنوع آن برگرفته از طبیعت است.

دختر دارم، انار و به چادر زده کنار دِه
چه دختری، چه چیزی دست می‌کنه تو دیزی
گوشتاشو در می‌آره نُخوداشو جا می‌ذاره
دختر دارم انار و به خیمه زده کنار دِه
اسبش رفته تو گندما کوری چشم مردما
(سرای، ۱۳۹۲: ۱۳۷)

واژه‌هایی که در ترانه‌های عامه به‌کار رفته‌اند، برگرفته از زندگی روزمره و طبیعت پیرامون مردم است که ماهرانه و دقیق در آن‌ها نمود یافته است (جمال‌یان‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۷). این ترانه نیز بیانگر پیوند عمیق طبیعت با زندگی مردم عشایری است و ابعاد فرهنگ مادی و معنوی جامعه را نشان می‌دهد.

در ترانه دیگری، مادر برای توصیف فرزندش به زیبایی از واژگان هم‌معنا استفاده می‌کند و او را روشنائی‌بخش خانه می‌داند و اندیشه‌های مهرورزانه خود را نسبت به او ابراز می‌کند:

دختر چراغ خانه دختر شمع و پروانه
دختر، دختر، دختره دختر، گل صدپره

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه ایک‌آبادی و همکاران

دختر سیاه و سبزه هر چی بخوای می‌آرزه

(سفیدگر شهانقی، ۱۳۹۳: ۴۸)

۹-۶. تضاد معنایی

نظم گفتمان، هم واژه‌های سازگار و مکمل تولید می‌کند و هم واژه‌های متناقض چون تقابل واژگانی؛ یعنی تضاد معنایی همان ناسازگاری معنایی است که معنای یک کلمه با معنای کلمه دیگر ناسازگار است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸). مادران مهر و عشق خود را به فرزند با کاربرد مفاهیم متضاد، ضمن بیان رخداد‌های گوناگون موقعیتی و اجتماعی در ترانه‌ها بیان می‌کنند که موجب برجستگی و زیبایی گفتمان آن‌ها شده است:

دختری دارم چو لاله از صبح تا شب دلالت

می‌آن و می‌رن، نمی‌دم به صد گسونس نمی‌دم

(سفیدگر شهانقی، ۱۳۹۳: ۵۷)

این ترانه به‌روشنی، نشان‌دهنده گفتمان عاطفی مادر برای کودک است که با استفاده از واژگان تقابلی آمدن و رفتن، آرزوهای خود را برای فرزند بیان می‌کند و به وی یادآوری می‌کند که دخترش خواستگاران متعددی دارد؛ ولی او حاضر نیست که فردی معمولی را برای ازدواج با دخترش برگزیند. در واقع، این ترانه بیانگر عقده و درد دل مادر است که خلاف میلش او را شوهر داده‌اند و او سنگ صبوری غیر از کودک ندارد.

در ترانه‌ای دیگر، دیدگاه مادر نسبت به فرزند دخترش این‌گونه بیان می‌شود:

دختر، کی می‌گه زشته دختر، گل بیدمشکه

دختر، کی می‌گه خاره دختر، گل بی‌خاره

(همان، ۷۱)

نگرش منفی جنسیتی نسبت به دختر در این گفتمان آشکارا دیده می‌شود؛ ولی مادر گفتمانی زیبا را خلاف عرف جامعه برای دخترش بر می‌گزیند و او را گل بی‌خار می‌داند.

دختر گیس، دختر گیس دختر هس و شوور نیس

دختر گیس و دختر گیس شوور هس و وقتش نیس

(همایونی، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

از آنجا که در جامعه مردسالار، دختران تنها از طریق ازدواج، هویتی اجتماعی می‌یابند، این امر در زندگی آن‌ها نقش و اهمیتی بسیار پیدا کرده است (بشیری، ۱۳۹۰: ۵۸). هست و نیست دو واژه‌ای است که مادر آرزوی خود را با تکرار آن‌ها مبنی بر عروس کردن دخترش به زیبایی در گفتمان خود نشان می‌دهد و با زبانی اثرگذار و سرشار از بار حسی با کودک، ارتباط عاطفی برقرار می‌کند.

این‌ور بازار دویدم	اون‌ور بازار دویدم
هل با میخک خریدم	روی تله ساییدم
به شکم مالیدم	یه‌دونه پسر زاییدم
گل پسر، لاله پسر	دکان عطاری پسر
هل با میخک داری پسر	با ما چی کار داری پسر
شکل تو برم، قد تو بنازم	که تو پسر شدی، من سرفرازم
که پیش شوهرم، زبان‌درازم	

(سفیدگر شهنائی، ۱۳۹۳: ۹۹)

زنی که نوزاد دختر به دنیا می‌آورد، معمولاً مورد غضب شوهر و خانواده وی قرار می‌گرفت؛ اما نوزاد پسر، مقام و منزلت مادر را نزد شوهر بالا می‌برد و مادر به داشتن پسران زیاد مباهات می‌کند و شاید به دلیل نقشی است که پسر در اقتصاد و معیشت خانواده ایفا می‌کرده است. «پسر همواره همراه و یاور پدر و جانشین وی در اجتماع بوده است، به همین جهت طبیعی است که خانواده‌ها خواهان فرزندان پسر بوده باشند» (خزاعی، ۱۳۸۹: ۸۷).

۶- ۱۰. شمول معنایی

رابطه شمول معنایی، رابطه میان یک مفهوم و مفهوم‌های با شمول آن است؛ یعنی معنای یک کلمه در بطن معنای کلمه‌ای دیگر جای دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۷). شمول معنایی شامل دو بحث تبادر یا جانشینی و مجاورت یا هم‌نشینی است که به نمونه‌هایی از کاربرد آن‌ها در ترانه‌ها اشاره خواهد شد:

فریدون‌خان، برگ به	خیمه زده توی ده
اسبش رفته تو گندما	کوری چشم دشمنما

(سفیدگر شهنائی، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه اییک آبادی و همکاران

اسب تو کجا می‌بندی پسرک ناز قندی
زیر درخت نرگس داغتو نبینم هرگز
(سرای، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

اسب در این ترانه، واژه شامل از نوع تبادر یا جانشینی است و مادر علاوه بر ناز و نوازش کودک، آرزومند داشتن اسب برای پسرش بوده است، چون اسب بهترین نوع مرکب برای سوارکاری، جنگیدن و شکار است. یکی دیگر از دلایلی که دور از نظر مادر نبوده، بحث ثروت و مکنت خانواده است؛ زیرا فقط افراد مرفه و ثروتمند سوار بر اسب می‌شوند. برخی عناصر ایدئولوژیک نسبت به عناصر دیگر از دید فرکلاف ثبات بیشتری دارند. مثلاً دشوار است که تصور کنیم واژگان بار جنسیت‌گرا یا نژادگرا نداشته باشند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۰). چنان‌که در ترانه زیر آمده است، جنسیت‌گرایی با نگاه به برتری پسر یک مقوله ایدئولوژیک غالب بوده است.

پسر، پسر، ماشالله پسر زلفاشو چین کرده پسر
اسبشو زین کرده پسر تفنگ به کول کرده پسر
می‌خواد بره صحرا شکار آی همسایه‌های کم نظر
همه‌تان بگید ماشالله پسر

(سفیدگر شهنقی، ۱۳۹۳: ۹۲)

توجه به جنس مذکر و افتخار به داشتن پسر در این گفتمان مادر، نشان از جایگاه والای پسر در فرهنگ ایران بوده است. حضور اسب در باورها، بیشتر نمایانگر خوش-یمنی و خجستگی در زندگی مردم و بازمانده تقدس و اهمیت اسب از دوران کهن تا امروز است. برخی نیز اسب را نماد زاینده‌گی، باروری و پسرزایی می‌دانستند.

قربونت برم یه وقتی اون وقت که روی تختی
قربونت برم چی می‌شه انار طاقچه می‌شه
می‌افته پاره می‌شه آبش پیاله می‌شه
خوراک خاله می‌شه

(احمد پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۷۹)

در این نازآوا، تخت واژه شامل است و مادر ضمن ناز و نوازش کودکش، به مراسم عروسی و نحوه آوردن عروس به خانه داماد اشاره دارد. در فرهنگ برخی از مردم ایران

رسم است که هنگام بردن عروس، خانواده داماد برای او تختی می‌بندند و داماد اناری را به سمت پای عروس پرتاب می‌کند که نشانه آرزوی تندرستی، شادابی و باروری برای عروس است.

من قربون و من قربون مرغ جوجه‌دار قربون
 اُشتر با قطار قربون دیگ هوادار قربون
 تایه(دایه) با باباش قربون خواهرشوهراش قربون
 (سرای، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

مرغ جوجه‌دار در این گفتمان، واژه شامل از نوع مجاورت یا هم‌نشینی است و شامل بلبل، کبک و ... است.

۶-۱۱. واژگان رسمی یا محاوره‌ای

موقعیت رسمی اقتضا می‌کند که روابط اجتماعی نیز رسمی باشد و این امر در واژگان آشکار است، به گونه‌ای که از انتخاب‌های رسمی‌تر در عوض گزینه‌های موجود کمتر رسمی، به طور یک‌دست استفاده شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۰). نزدیکی به زبان عامه، سبب ایجاد زمینه‌های مشترک بین متن و مخاطب خواهد شد که از دید تحلیل گفتمان مهم است و سبب پذیرش شعر ترانه در بین عامه مردم و به خصوص کودکان و نیز فهم کامل آن خواهد شد. گفتمان رسمی در ترانه‌های نوازشی کاربردی نداشته و مادر حوزه‌های انتزاعی مفاهیم را که حاصل تعامل بین انسان و طبیعت، انسان و جامعه و انسان و خویشتن است، به مدد واژه‌ها و ترکیب‌های عامیانه حسی و صمیمی در پیوند با عواطف، محسوس و ملموس می‌کند. واژگان محاوره‌ای کاربرد بسیاری در ترانه‌ها دارند که نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر می‌شود:

دس، دسی، باباش میاد صدای کفش پاش میاد
 (رسولی، ۱۳۹۲: ۶۱)

واژه محاوره‌ای در ترانه ذکر شده «دس» به معنی دست است.

شوور نیس	خانم گیس
وختش نیس (سفیدگر شهنقی، ۱۳۹۳: ۵۹)	شوور هس

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه ایک‌آبادی و همکاران

واژه‌های محاوره‌ای «شوور» به معنی شوهر، «وختش» به معنی وقتش و «نیس» به معنی نیست، هستند.

خدا، خدایی کردم	صد سال گدایی کردم
مچدا را جارو کردم	سیدا را دادی کردم
تا تو را پیدا کردم	الهی برا مُو بمونی

هر کار می‌خوای بُکُنی

(همان، ۱۴۹)

واژه‌های محاوره‌ای «مچد» به معنی مسجد و «مُو» به معنی من است. در این سروده، مادر برای برآورده شدن حاجات خود به اعمال مذهبی چون دعا کردن، جارو کردن مسجد و پول دادن به سادات اشاره می‌کند. یکی از آیین‌هایی که در بسیاری از مناطق ایران رواج داشته، جارو کردن مسجد در بین زنان بوده است. آن‌ها بر این باور بودند که با انجام چنین اعمالی حاجاتشان برآورده خواهد شد. این رسم کم‌کم با نهادینه شدن در تفکرات آنان، در عمق باورهایشان ریشه دوانیده و در سروده‌هایشان باز تابیده است. در ضمن، این ترانه که با احساس و عاطفه فراوان بیان شده است، به صورت غیرمستقیم ضمن نوازش، ذهن کودک را با مفاهیمی ایدئولوژیکی همچون خدا و مسجد آشنا می‌کند.

نزدیک شدن زبان گفتمان مادر به زبان گفت‌وگوی محاوره‌ای سبب شده که ایدئولوژی غالب مادر نسبت به کودک با صمیمیت و عاطفه در بیشتر واژگان احساس شود؛ یعنی گفتمان مادر در واقع، گفتمانی ساده و زیبا با بیان واقعیت‌های جامعه در قالب واژگان عامیانه همراه است:

دختر دارم کس نداره	قوام که دسترس نداره
مشیر خبر نداره	حاتم که مال نداره
هزار هزار بیارند	سیصد هزار بیارند
ریش گرو بذارند	این ملوسه بخواهند

(سرایی، ۱۳۹۲: ۱۴۰)

واژه‌های عامیانه «نداره»، «بیارند» و «بذارند» است. قوام و مشیرالملک هم از جمله شخصیت‌های برجسته سیاسی در زمان فتحعلی شاه قاجار بوده‌اند. بنابراین، از این ترانه چنین برداشت می‌شود که سراینده آن شیرازی بوده و در دوره قاجار سروده شده است.

۱۲-۶. استعاره

استعاره از ابزارهای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه بر پایه جنبه‌ای دیگر از آن است و به آن نوع گفتمان منحصر نیست که به صورت کلیشه‌ای مرتبط با آن فرض می‌شود؛ یعنی شعر و گفتمان ادبی (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۳). از دیدگاه یونگ (۱۳۵۲: ۳۶) هر چیزی می‌تواند اهمیت سمبلیک پیدا کند؛ اشیای طبیعی چون سنگ‌ها، گیاهان و یا هر چیز دیگر. مادران در ترانه‌های نوازشی سعی کرده‌اند که بیشتر از تشبیه در گفتمان خود استفاده کنند و عواطف و احساساتشان را در قالب استعاره به بهترین نحو برای کودک بازگو کنند. روشن بودن مشبه و مخاطب (کودک)، علت سادگی و قابل فهم بودن استعاره در ترانه‌هاست:

پسر زاییدم به آه و هوس بزرگ می‌کنم به آه و نفس
نمی‌دَمش دستِ خرمگس وَرش داره، بره کنج قفس
(سرای، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

ابزارگونگی زن در ادب عامه قابل تأمل است، به گونه‌ای که ابزاری برای تداوم نسل مرد (پسر زاییدن) دیده شده و در صورت نازایی چون ابزاری بی‌استفاده است (حیدری، ۱۳۹۶: ۲۱۱). ترانه حاضر بیانگر یک رفتار اجتماعی و خانوادگی خاص در فرهنگ مردم بوده است. مادرشوهر با عروس خود در یک خانه زندگی می‌کرده و خود را صاحب تام‌الاختیار عروس می‌دانسته است. تا آنجا که به خود اجازه می‌داد که عروسش را گرسنه نگه دارد، زندانی و حتی تنبیه کند؛ یعنی خشونت و سخت‌گیری جزئی از ذات و شخصیت مادرشوهر بود. در این ترانه نیز نگاه به زن، موضعی مردم‌محور است. از واژه خرمگس، اهانت و بی‌حرمتی به شخصیت زن، حس مالکیت بر زنان از سوی مردان و گاهی نیز از سوی خود زنان و همچنین، نداشتن ارزش اجتماعی و فرهنگی زنانه استنباط می‌شود.

خانوم خانوما می‌زام خانوم دختر می‌زام

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه ایک‌آبادی و همکاران

چرا نزام یه دختری سوار بشم بر استری
جلو بیفته نوکری:

پس بروین، پیش بیاین مادر خانوم اومده
چرا بزام یه پسری تا بشینم پشت دری
هی بکشم جور خری سوار بشم کره‌خری
جلو بیفته مهتری:

از در که تو بیام، بگن مزوری، حيله‌گری، جادوگری
(سرای، ۱۳۹۲: ۱۳۷)

زمانی که سن و سالی از زن می‌گذرد، علاوه بر دستیابی به نقش کدبانوگری می‌تواند لقب «کلانتر زن» را بگیرد. این‌گونه زنان با پیر شدن و تغییرات ظاهری و بیولوژیکی، ممکن است مظهر جادو، افسون‌گری و حيله شناخته شوند و جامعه با فرافکنی، خشم و نفرت خود را متوجه آنان سازد. در جامعه سنتی پدرسالار، زن در خانواده به‌جز به دنیا آوردن و نگهداری از فرزند، جایگاهی در خانواده نداشته است. به علت جایگاه فرودین و پست زن در خانواده و اجتماع و نهادینه شدن آن در وجود زنان، سراینده ترانه با تنفر و بیزاری از عروسی که هم‌جنس خودش است، یاد می‌کند. مادران زبانی ساده و دور از تخیل را برای بیان عواطف و احساسات خود انتخاب می‌کنند تا بهتر بتوانند با کودک ارتباط برقرار کنند و ناب‌ترین مفاهیم عاطفی را با هدف عشق‌ورزی به فرزند در گفتمانی زیبا و دور از عناصر ادبی به او منتقل می‌کنند:

ای زیبای من	سرو ناز من
جان گداز من	ای شیرین سبزه
مکن تو غمزه (همان، ۱۳۹)	

سرو روانم	آرام جانم
بی تو نمانم	در دستت جانم
نمیری ایشالله (همان، ۱۳۴)	

از یک سو برای تبیین مهربانی مادر به فرزند و از سوی دیگر زیبایی دل‌انگیز کودک برای مادر از انواع گل‌ها و گیاهان در ترانه‌ها استفاده شده است. فرزند، به سروی مانند شده که سبب آرامش خاطر مادر است و مادر ضمن عشق‌ورزی به کودک، برای او عمری طولانی آرزو می‌کند.

جیگل، جیگل، نقاره حاجی زیر تَغاره

آقاش خبر نداره

سفیدگر (شهانقی، ۱۳۹۳: ۱۰۹)

مادر پسرش را که در روز دهم ذی الحجه (عید قربان) به دنیا آمده، حاجی نام‌گذاری کرده و از این اتفاق شادمان است. همچنین، می‌توان به این نکته اشاره کرد که در گذشته، عنوان «حاجی» دارای بار عاطفی مثبت بوده و ارزش خاصی در جامعه داشته است.

جدول ۱: فراوانی بسامد طبقه‌بندی واژگان ترانه‌ها، بر اساس نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف

عناوین طبقه‌بندی واژگان	میزان فراوانی	درصد فراوانی
عبارت‌بندی دگرسان	۷	۱,۳
عبارت‌بندی افراطی	۲۳	۴,۳
هم‌معنایی	۱۲	۲,۳
تضاد معنایی	۱۶	۳,۲
شمول معنایی	۲۴	۴,۶
استعاره	۸	۱,۵
واژگان محاوره‌ای	۴۳۴	۸۲,۸
جمع کل در ترانه‌های مورد مطالعه	۵۲۴	۱۰۰٪

۷. نتیجه

ترانه‌های نوازشی آرزوها و عقده‌های زنان پرده‌نشین ایران‌زمین و نیز نگاه جنسیتی را بیشتر بر می‌تابند؛ اما گفتمان مادر در پی شکستن ایدئولوژی حاکم بر جامعه و عبور از سلطه مرد و نگرش منفی به زن است. مادر کلامش را سرشار از احساس و عاطفه کرده و واقعیت‌های جامعه چون مردسالاری، برتری جنسیتی، بی‌وفایی همسر، فقر و اوضاع

تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه ایک‌آبادی و همکاران

نابسامان اقتصادی و بیداد زمانه را در گفتمانی زیبا بیان کرده و سبب نفوذ و تأثیر کلام و ایجاد لذت در کودک شده است. گفتمان غالب مادر در این سروده‌ها، بر اساس سادگی و میزان فهم کودک بنا شده است. مادر در ترانه‌های نوازشی پیوندی محکم با گفتمانی عاطفی با فرزندش برقرار کرده است و ذهن کودک را با تفکر و اندیشه‌های خود، فرهنگ دینی و باورهای مذهبی، ایدئولوژی سیاسی، نابرابری‌های اجتماعی و پدیده‌های هستی آشنا می‌کند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، طرح طبقه‌بندی بسامد واژگان در ترانه‌های مورد بررسی، ۵۲۴ مورد است که بر اساس انگاره فرکلاف، انواع توصیف واژگانی، عبارت‌بندی دگرسان، عبارت‌بندی افراطی، انواع روابط معنایی و استعاره در ترانه‌ها کاربرد داشته است که استعاره‌های به‌کار رفته به دلیل مشخص بودن مشبه و مخاطب (کودک)، بسیار ساده و نزدیک به تشبیه هستند. واژه‌های محاوره‌ای با ۸۲ درصد (۴۳۴ مورد) بیشترین فراوانی را دارند. گفتمان محاوره‌ای مادر، در واقع گفتمانی ساده و زیبا با عشق و عاطفه و با بیان واقعیت‌های جامعه در قالب واژگان عامیانه است. ایدئولوژی کلام مادر، گریز از محدودیت‌ها، ناکامی‌ها، نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و محرومیت‌های گوناگون، آرزوها و تمنیات درونی و قلبی و بر پایه مهربانی و شفقت به فرزند تبیین شده است. از سوی دیگر واژگان به‌کار رفته در ترانه‌ها نقش مؤثری در آفرینش عاطفه شعری و انتقال احساس مادرانه چون ترس از آینده، امید به آینده، نفرت، تنهایی و در نهایت پذیرش مخاطب داشته‌اند که فراوانی داده‌ها در ساخت واژه‌های ساده محاوره‌ای و طبیعت‌گرایانه ترانه‌ها دستاورد این پژوهش است.

پی‌نوشت‌ها

1. Zlick Harris
2. Norman Fairclough
3. discourse analysis
4. Michel Foucault
5. Jacques Derrida
6. Michelle Pusho
7. description
8. Alternate phrasing
9. Extreme phrasing

منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۶). ترانه‌های ملی ایران. چ ۲. تهران: مؤلف.
- بشیری، محمود و معصومه محمودی (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه‌ای موضوعات و درون‌مایه‌های مرتبط با زنان در داستان‌های زن‌محور زنان داستان‌نویس (۱۳۰۰ - ۱۳۸۰)». زبان و ادب پارسی. ش ۴۷. صص ۵۱ - ۸۰.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸). گفتمان و تحلیل گفتمانی. چ ۱. تهران: فرهنگ گفتمان.
- جمالیان‌زاده، سیدبرزو و محمود رضایی دشت‌ارژنه (۱۳۹۶). «درون‌مایه ترانه‌های برزگری در استان کهگیلویه و بویراحمد». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵. ش ۱۶. صص ۶۵ - ۸۷.
- حیدری، آرمان و همکاران (۱۳۹۶). «واکاوی مفهوم زن در ضرب‌المثل‌های لری با تأکید بر بُعد نابرابری جنسیتی». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵. ش ۱۷. صص ۱۹۵ - ۲۲۰.
- خالقی‌زاده، محمدهادی (۱۳۹۰). «ترانه‌های کودکان در ادبیات محلی شیراز». مجموعه مقالات همایش ملی ادب محلی و محلی‌سرایان ایران زمین. دانشگاه آزاد اسلامی. یاسوج. صص ۲۴۹ - ۲۵۸.
- خزاعی، حمیدرضا (۱۳۸۴). لالایی‌ها. چ ۱. تهران: ماه‌جان.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران». ادب‌پژوهی. ش ۷ - ۸. صص ۱۴۳ - ۱۷۰.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۵). «انواع بومی سروده‌های خراسان». جستارهای ادبی. ش ۱۹۴. صص ۱۲۷ - ۱۵۴.
- رسولی، سیدجواد (۱۳۹۲). «انواع ترانه‌های کودکان (مطالعه موردی: طبقه‌بندی نظم شفاهی کودکان خراسان)». مطالعات ادبیات کودک شیراز. ش ۲. صص ۵۳ - ۸۲.
- ----- (۱۳۸۳). نمونه‌هایی از ترانه‌های کودکان خراسان. چ ۱. مشهد: آهنگ قلم.
- رضایی، حمید و ابراهیم ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۴). «تأثیر جنسیت بر اشعار عامه بختیاری». ویژه‌نامه آواها و نواها و اشعار عامه در فرهنگ مردم ایران. س ۳. ش ۷. صص ۴۳ - ۶۹.
- سرایی، جاوید و مانا سرایی (۱۳۹۲). ترانه‌های کودکان. چ ۲. تهران: موج.
- سفیدگر شهنقی، حمید (۱۳۹۳). نوازش‌های کودکان ایران. چ ۱. تهران: سوره مهر.
- سیپک، ییری (۱۳۸۹). ادبیات فولکلور ایران. ترجمه محمد اخگری. چ ۲. تهران: سروش.

- تحلیل انتقادی گفتمان واژگان ترانه‌های نوازشی... ----- فاطمه اییک‌آبادی و همکاران
- صادقی، علی (۱۳۸۶). «ترانه‌های عامیانه کودکان». *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فرهنگ مردم ایران*. صص ۵۳ - ۶۸.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. ج ۱ (نظم). چ ۱. تهران: چشمه.
- عظیم جبار، ناصرو و رقیه کوهنورد (۱۳۹۶). «جایگاه زن در فرهنگ عامه شهرستان جهرم». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۵. ش ۱۸. صص ۱۳۲ - ۱۵۲.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و همکاران. چ ۱. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- لاینز، جی (۱۳۹۱). *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*. ترجمه کورش صفوی. چ ۲. تهران: علمی.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۲). «درآمدی به سخن کاوی». *زبان‌شناسی*. س ۲. ش ۲. صص ۱ - ۲۰.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران*. به‌کوشش حسن ذوالفقاری. چ ۴. تهران: چشمه.
- مرادی، محمد (۱۳۹۴). «بررسی ویژگی‌های قالبی ساختاری در ترانه‌های کودکانه رایج در فارس». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. صص ۸۳ - ۱۰۲.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۲). *شعر کودک از آغاز تا امروز*. چ ۳. تهران: ثالث.
- میرزایی، ارسلان و محمدهادی فلاحی (۱۳۹۵). «جایگاه زنان قشقایی در ادبیات شفاهی: تحلیلی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی». *زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز*. س ۱. ش ۲. صص ۱۲۲ - ۱۶۰.
- همایونی، صادق (۱۳۸۹). *زنان و سروده‌هایشان در گستره فرهنگ مردم ایران زمین*. چ ۱. تهران: گل‌آذین.
- _____ (۱۳۸۰). «مردم و ترانه‌های محلی». *کتاب ماه هنر*. ش ۴. صص ۳۴ - ۴۰.
- _____ (۱۳۷۹). *ترانه‌های محلی فارس*. چ ۲. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲). *انسان و سمبل‌هایش*. ترجمه طالب صارمی. چ ۱. تهران: امیرکبیر.

Investigating lexical items of lullabies based on Fairclough model: A critical discourse study

Fatemeh Ibak Abadi¹ Khalil Beig Zadeh*² Ibrahim Rahimi
Zangeneh³ Fatemeh Kollah Chian⁴

1. PhD candidate in Persian language and literature, Razi University, Kermanshah , Iran.
2. Associate professor of Persian language and literature, Razi University , Kermanshah , Iran. (Corresponding author).
3. Associate professor of Persian language and literature, Razi University , Kermanshah , Iran.
4. Associate professor of Persian language and literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

Received: 21/06/2018

Accepted: 25/12/2018

Abstract

Lullabies are popular children's songs that are full of maternal femininity and express the mother's goals, aspirations, sufferings, sorrows and mourning, based on cultural systems and social behaviors that stimulate children's emotions. The present study examines Persian lullabies through textual signs based on critical theory of Norman Fairclough analysis at lexical level using descriptive-analytic research methodology. The corpus of study consists of 1000 hemistich whose application frequency is the basis of this selection. The results of the current research showed that different kinds of lexical classification have been used in this type of song, but the frequency of use in colloquial language is higher than that of other varieties. While the mother's speech has come to express social realities such as patriarchy, gender superiority, spouse disloyalty, poverty and critical economic conditions of the time, they are presented in the form of plaintive and linguistic words with amorphous linguistic language. Accordingly, lexical items of lullabies have an effective role in creating the poetic sense and transferring the maternal sense (fear of the future, hope for the future, repugnance, solitude, and ultimately acceptance of the audience). As the expression of the reality of society in the form of folk words, the child's full understanding of the social, cultural and political realities, as well as the influence of the word of the mother on his mind (the child), have been completely described.

Keywords: Critical discourse analysis, lullabies, Norman Fairclough, Oral literature.